

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس کیفیت عشق و رضایت جنسی *Emotional divorce anticipation based on quality of love and sexual satisfaction*

Zahra Kaboli

M.A. of General Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Mojtaba Sedaghati Fard (corresponding author)

Department of Social Sciences, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Email: sedaghati_fard@yahoo.com

زهرا کابلی

دانش آموخته کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، واحد گرمسار، دانشگاه

آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مجتبی صدقاتی فرد (نویسنده مسئول)

گروه علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

sedaghati_fard@yahoo.com

Abstract

Aim: this study aimed to investigate the relationship between sexual satisfaction, quality of love and emotional divorce among married civil servants of Tehran municipality of eight region of Tehran. **Method:** the method used in this study is survey method and the questionnaire was used to collect data from the sample. the statistical population of this study was Tehran municipality 's eight municipality, among which 155 people were sample available selected and studied using questionnaire. in this study, we used Pearson correlation test and regression in order to analyze and test the hypotheses of the research. in this research, sexual satisfaction index with 25 Items, the quality index of love in the three dimensions of intimacy, desire and commitment with 45 Items, and emotional divorce index were investigated and evaluated. **Results:** the results and findings of the research show a significant relationship between sexual satisfaction and emotional divorce, the meaningful relation between the quality of love and emotional divorce, and the meaningful difference between gender and emotional divorce. **Conclusion:** the results from the regression analysis indicate that the sex satisfaction variables, the quality of love, education under the diploma and the families with three children above, have a significant effect on the dependent variable (affective divorce).

Keywords: Emotional Divorce, Sexual Satisfaction, Quality of Love, Family.

چکیده

هدف: این پژوهش به منظور بررسی رابطه میان رضایت جنسی، کیفیت عشق و طلاق عاطفی در بین کارمندان متأهل شهرداری منطقه هشت تهران انجام شد. **روش:** مورد استفاده در این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی همبستگی بوده و با ابزار پرسشنامه به جمع آوری داده از نمونه‌ی مورد مطالعه پرداخته شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، کارمندان متأهل منطقه‌ی هشت شهرداری تهران بوده که به تعداد ۱۵۵ نفر به صورت نمونه در دسترس انتخاب شده و با پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند. به منظور تحلیل و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. **یافته‌ها:** در این تحقیق، شاخص رضایت جنسی با ۲۵ گویه، شاخص کیفیت عشق در سه بعد صمیمیت، هوس و تعهد با ۴۵ گویه، و شاخص طلاق عاطفی با ۲۴ گویه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند. **نتیجه گیری:** نشانگر رابطه معنادار بین رضایت جنسی و طلاق عاطفی، رابطه‌ی معنادار بین کیفیت عشق و طلاق عاطفی، و تفاوت معنادار بین جنسیت و طلاق عاطفی است. **نتیجه‌های حاصل:** از تحلیل رگرسیون نیز نشانگر آن است که متغیرهای رضایت جنسی، کیفیت عشق، تحصیلات زیر دیپلم و خانواده‌های دارای سه فرزند به بالا، بر روی متغیر وابسته (طلاق عاطفی) از اثرگذاری معنی داری برخوردار هستند.

کلید واژه‌ها: طلاق عاطفی، رضایت جنسی، کیفیت عشق، خانواده.

مقدمه

ازدواج و انتخاب همسر سنگ بنای اولیه تشکیل خانواده تحت تأثیر تغییر و تحولات ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پیرامون خود بوده و جامعه در حال گذار ما از نظر فرهنگی در حال تغییر سریع از معیارهای سنتی به مدرن است که پیامدهای ناگواری را بر جا می‌گذارد. یکی از این پیامدها طلاق عاطفی است که امروزه به پدیده‌ای فراگیر در ایران تبدیل شده است. به طور کلی اهمیت این موضوع به اهمیت خانواده به عنوان کانون عاطفی برمی‌گردد. کانونی که شخص خود را متعلق به آن می‌داند و در سلامت روانی و عاطفی انسان نقش بسیار مهمی دارد اصولاً نیاز به چنین تعلق عاطفی امری فطری و درونی است (به نقل از برین، ۱۳۹۱). علیرغم اینکه اکثر ازدواج‌ها شروع خوبی دارند اما، در نهایت زوج‌ها از رابطه‌ی خود راضی نیستند. به نظر می‌رسد که شادی، ثبات و رضایت از ازدواج بستگی به خود زوج دارد (ماناپ^۱، چی کاسیم^۲، هسنی^۳، نن^۴، ایدریس^۵ و قزالی^۶، ۲۰۱۳). ازدواج موضوعی نیست که به دو فرد مربوط باشد، بلکه به عنوان یک رویداد، به خانواده و جامعه هم مربوط می‌شود. عناصر تشکیل دهنده‌ی یک ازدواج موفق، عشق، ارتباط خوب، تعهد، تفاهم، نگرانی، مراقبت از یکدیگر و با هم بودن است. برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه حل مشکلات در روابط زناشویی است (ایسر^۷، ییودا^۸ و اولادون^۹، ۲۰۱۴).

از آنجایی که در جوامع پیشرفته طلاق عاطفی و زندگی خاموش، کمتر وجود دارد زیرا زن و شوهر در صورت عدم توافق، دست به جدایی می‌زنند و طلاق رسمی می‌گیرند در این جوامع به علت وجود حمایت‌های وسیع اجتماعی از زن بیوه یا بچه‌های طلاق، علتی برای تداوم زندگی سرد و خاموش وجود ندارد. از سوی دیگر زن و شوهر به دلیل آشنایی با فرهنگ عقلانی و دور بودن از هنجارهای فرهنگ سنتی به گونه‌ای که فشار بیرونی و خواسته‌های اطرافیان به تداوم زندگی خاموشی بینجامد دلیلی برای ادامه زندگی سرد نمی‌بینند (بخارایی، ۱۳۸۶). اما طلاق عاطفی یکی از مشکلات جدی در ایران است که از میزان شیوع آن آمار دقیقی در دست نیست (حدادی، توکلی، بوج، ۲۰۱۵، به نقل از صمدی فردو همکاران ۱۳۹۵). از طرفی امیال و نیازهای جنسی در زندگی زناشویی نقش اساسی دارند و کمتر رابطه زناشویی را می‌توان یافت که بدون داشتن روابط جنسی قابل دوام باشد. لذت جنسی موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلافات زناشویی نادیده گرفته شود و وابستگی عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد (عسگری، ۱۳۸۰).

عشق و محبت نیز از کیفیتی برخوردار است که می‌تواند بسیاری از تنش‌های میان زوجین را محو کند اما چگونه است که چراغ‌های تابان عشق و عاشقی به تدریج کم سو می‌شود و چگونه است که کلام "ازدواجم راضی نیستم" بر زبان‌ها

¹ Manap

² Che Kassim

³ Hoesni

⁴ Nen

⁵ Idris

⁶ Ghazali

⁷ Esere

⁸ Yeyeodu

⁹ Oladun

جاری می‌شود؟ (بک^۱، ۱۳۸۴). ازدواج پیمان و پیوند مقدسی است میان دو جنس مخالف بر پایه روابط پایای جنسی، عاطفی و معنوی و بر اساس انعقاد قرارداد شرعی، اجتماعی و قانونی که تعهداتی را برای زوجین به وجود می‌آورد. بنابراین ازدواج یک تصمیم‌گیری ظریف و پیچیده است که قبل از هر گونه اقدامی باید تمام جوانب را در نظر گرفت (به پژوه، ۱۳۹۴).

طلاق یکی از مهمترین آسیب‌های خانوادگی است، اما آمار رسمی طلاق به طور کامل نشان دهنده میزان ناکامی همسران در زندگی زناشویی نیست، زیرا در کنار آن آماری بزرگ‌تر به طلاق‌های عاطفی اختصاص دارد، یعنی به زندگی‌های خاموش و خانواده‌های توخالی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند (بخارایی، ۱۳۸۴).

پل بوهانان^۲ طلاق عاطفی^۳ را اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوالی می‌داند که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود (به نقل از باستانی و همکاران ۱۳۹۰).

زندگی مشترک تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد که پاره‌ای از آنها ممکن است زوجین را به طرف اختلاف و درگیری، جدایی روانی و حتی طلاق سوق دهد (حیدری، مظاهری، پوراعتماد، ۱۳۸۴). عشق و محبت یکی از عوامل پیوند دهنده زن و شوهر و موجب حفظ ثبات آنهاست و از کیفیتی برخوردار است که می‌تواند بسیاری از تنش‌های میان زوج‌ها را محو کرده و بر خود محوری‌ها سرپوش بگذارد. البته عشق تنها برای تداوم مناسب زناشویی و احساس رضایتمندی کافی نیست، حفظ پیوند ازدواج مستلزم وجود عوامل دیگری نیز هست که اگر وجود نداشته باشند، زن و شوهر باید آن را در زندگی زناشویی خود به وجود آورند، از عوامل پاسدار روابط زناشویی می‌توان از تعهد، وفاداری، صمیمیت، روابط جنسی و اعتماد که پیوندهای عشق و محبت را حراست می‌کنند، نام برد. عشق به خودی خود مشکلات را حل نمی‌کند. اما، انگیزه‌ی قدرتمندی برای غلبه بر آنها فراهم می‌سازد (کوآن و کیندر^۴، ۱۳۸۱).

رابرت استرنبرگ^۵ در سال ۱۹۹۶ عشق را همانند مثلث دارای سه ضلع "کشش جنسی"^۶ "صمیمیت"^۷ و "تعهد"^۸ دانست و بدین ترتیب "نظریه مثلث عشق"^۹ را بیان کرد. از نظر استرنبرگ ترکیب متفاوت این سه، هفت نوع عشق (عشق روماتیک، عشق کور، شیدایی، عشق شراکتی، عشق پوچ، دوست داشتن و عشق کامل) را به وجود می‌آورد (به نقل از رفیعی نیا و همکاران ۱۳۸۶).

از طرف دیگر زندگی زناشویی سعادت‌مندان می‌تواند تا اندازه‌ای مربوط به رابطه جنسی باشد تا جایی که می‌توان گفت از مهمترین علل خوشبختی یا عدم خوشبختی در زندگی زناشویی است و اگر این رابطه قانع‌کننده نباشد می‌تواند منجر به

¹ Beck

² Paul Bohannan

³ Divorce anticipation

⁴ Kinder & Quan

⁵ Robret Steranberg

⁶ Passion

⁷ Intimacy

⁸ Commitment

⁹ Steranberg Love Triangle

احساس محرومیت، ناکامی و عدم احساس ایمنی (به خطر افتادن سلامت روان) و در نتیجه از هم پاشیدگی خانواده شود (شاملو، ۱۳۸۰). رضایت جنسی^۱ یک عامل پیش بینی کننده‌ی قوی برای رضایت و تداوم رابطه است (هالفورد^۲، ۱۳۸۴) و مؤلفه‌ای مرتبط با تمایلات جنسی انسان، که به عنوان آخرین مرحله از چرخه پاسخ جنسی وی در نظر گرفته می‌شود (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۰) که لارنس و بیرز^۳ (۱۹۹۵) آن را پاسخی عاطفی برخاسته از ارزشیابی ذهنی فرد از ابعاد مثبت و منفی مرتبط با رابطه جنسی، با فردی دیگر تعریف کرده‌اند. آمار سرسام‌آور طلاق نشان می‌دهد که توقعات مردم از ازدواج نسبت به قبل افزایش یافته و زنان و مردان به یک اندازه از زندگی ناراضی هستند و به زندگی سرشار از عشق و علاقه و به محبتی دائم از یک فرد کاملاً استثنایی و منحصر به فرد نیاز دارند (هالفورد، ۱۳۸۴). براساس آمارهای موجود در ثبت احوال، تا پایان بهمن ماه سال ۱۳۹۵، ۱۶۵ هزار و ۹۸۱ مورد طلاق به وقوع پیوسته است که تهران و خراسان رضوی در صدر این آمار هستند. تهران با ۳۰۴۵۹ مورد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. با توجه به مباحث مطرح شده، این سؤال مورد بررسی قرار می‌گیرد که به واقع کیفیت عشق و رضایت جنسی تا چه اندازه با طلاق عاطفی ارتباط دارند؟ به عبارت دیگر آیا دو متغیر کیفیت عشق و رضایت جنسی می‌توانند میزان طلاق عاطفی را پیش بینی نمایند؟

روش

روش مورد استفاده در این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی همبستگی بوده و با ابزار پرسشنامه به جمع آوری داده از نمونه‌ی مورد مطالعه پرداخته شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر، کارمندان متأهل منطقه‌ی هشت شهرداری تهران بوده که ۱۵۵ نفر به صورت نمونه در دسترس انتخاب شده و با استفاده از پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند. جامعه آماری این پژوهش، شامل کارمندان شهرداری منطقه ۸ شهر تهران در سه ماهه سوم سال ۱۳۹۶ بود.

ابزار

مقیاس طلاق عاطفی: این مقیاس توسط گاتمن (۱۹۹۵) در کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج تحت عنوان تنهایی آورده شده است. گاتمن (۱۳۸۷) در توضیح این مقیاس بیان می‌کند که زمانی که زوجها هنوز رسماً زن و شوهر هستند ولی آنچنان احساس انزوا می‌کنند که تفاوت چندانی میان زن و شوهر بودن آنها و تنها زندگی کردن وجود ندارد، این حالت را تجربه می‌کنند. این پرسشنامه شامل آیتمهایی است که طلاق عاطفی و همچنین حالت عاطفی تنهایی را هم می‌سنجد. در این پژوهش منظور از نمره استاندارد طلاق عاطفی، نمره‌ای است که فرد به سوالات ۲۴ ماده‌ای پرسشنامه گاتمن می‌دهد. نمره گذاری پرسشنامه به صورت بله / خیر است. پاسخ بله یک امتیازی، و پاسخ خیر صفر می‌گیرد. هر چقدر میزان جواب‌های بله بیشتر باشد احتمال طلاق عاطفی بیشتر است.

مقیاس عشق استرنبرگ: پرسشنامه عشق استرنبرگ توسط رابرت جی استرنبرگ (۱۹۸۶) تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۴۵ ماده و ۳ مؤلفه صمیمیت، لذت و تعهد را می‌سنجد. هر یک از این مؤلفه‌ها دارای ۱۵ ماده، که پاسخ به

^۱sexual satisfaction

^۲Halford

^۳Lawranc & Byers

ماده‌ها به روش لیکرت و به صورت ۹ گزینه‌ای (از اصلاً تا به طور کامل)، که به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ نمره-گذاری می‌شود. که ۱۵ جمله اول صمیمیت و ۱۵ جمله بعدی هوس و ۱۵ جمله آخری تعهد را منعکس می‌کند.

مقیاس رضایت جنسی لارسون: پرسشنامه رضایت جنسی لارسون بوسیله لارسون و همکارانش در سال ۱۹۹۸ ارائه شد. این پرسشنامه، دارای ۲۵ عبارت است که ۱۳ سؤال منفی و ۱۲ سؤال مثبت دارد در پاسخ هر سؤال ۵ گزینه انتخابی براساس طیف لیکرت (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات، بیشتر اوقات و همیشه) گنجانده شده است. مقیاس در نظر گرفته شده برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل، با توجه به نمره کسب شده، بین ۲۵ تا ۱۲۵ قرار دارد، به صورتی که نمره کمتر از ۵۰ به معنای عدم رضایت جنسی، ۷۵-۵۱ رضایت کم، ۱۰۰-۷۶ رضایت متوسط و بیش از ۱۰۰ به رضایت جنسی زیاد اشاره دارد (لارسون و همکاران، ۱۹۹۸).

یافته‌ها

ابتدا نتایج یافته‌های توصیفی-زمینه‌ای و متغیرهای مستقل و وابسته و در آخر به بررسی نتایج استنباطی بررسی می‌شوند.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی-زمینه‌ای متغیرها

متغیر	گروه	فراوانی	درصد معتبر
جنسیت	زن	۸۲	۵۲,۹
	مرد	۷۳	۴۷,۱
سن	زیر ۳۰ سال	۲۴	۱۵,۵
	۳۰ تا ۴۰ سال	۸۱	۵۲,۳
	۴۰ تا ۵۰ سال	۳۹	۲۵,۲
	۵۰ تا ۶۰ سال	۷	۴,۵
	بالای ۶۰ سال	۴	۲,۶
	مدت زمان ازدواج	۱ تا ۵ سال	۲۴
۵ تا ۱۰ سال		۴۸	۳۱
۱۰ تا ۱۵ سال		۳۵	۲۲,۶
۱۵ تا ۲۰ سال		۱۹	۱۲,۳
۲۰ تا ۲۵ سال		۱۵	۹,۷
۲۵ سال به بالا		۱۴	۹,۰
تحصیلات	دیپلم و زیر دیپلم	۷۴	۴۷,۷
	کاردانی و لیسانس	۵۷	۳۶,۸
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۴	۱۵,۵
تعداد فرزندان	بدون فرزند	۳۴	۲۱,۹
	تک فرزند	۵۷	۳۶,۸
	دو فرزند	۴۹	۳۱,۶
	سه فرزند	۱۳	۸,۴
	بی از سه فرزند	۲	۱,۳

جدول ۲- یافته‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	گروه	درصد معتبر
شاخص رضایت جنسی	هرگز	۴,۵
	به ندرت	۷,۷
	گاهی اوقات	۲۴,۵
شاخص کیفیت عشق (صمیمیت، هوس و تعهد)	اکثر مواقع	۳۶,۸
	همیشه	۲۶,۵
	اصلاً	۵,۸
طلاق عاطفی	کم	۴,۵
	تا حدی	۱۲,۳
	زیاد	۲۴,۵
طلاق عاطفی	خیلی زیاد	۵۲,۹
	اصلاً	۵۰,۳
	کم	۱۴,۲
خیلی زیاد	تا حدی	۱۷,۴
	زیاد	۷,۱
	خیلی زیاد	۱۱

در این پژوهش، رضایت جنسی به عنوان متغیر مستقلی که می‌تواند بر متغیر وابسته طلاق عاطفی تأثیر گذارد، در نظر گرفته شده است. شاخص رضایت جنسی، متشکل از ۲۵ گویه بود که در مجموع نتایج جمع آوری شده به شاخص فوق دست یافتیم. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند که ۴,۵ درصد پاسخگویان مورد مطالعه هرگز از روابط جنسی خود رضایت نداشته‌اند؛ همچنین ۷,۷ درصد آنان خیلی کم این رضایت را دارا بودند. این در حالیست که ۳۶,۸ درصد آنان در اکثریت مواقع رضایت جنسی داشته‌اند و ۲۶,۵ درصدشان نیز این رضایت را برای خود همیشگی تلقی کرده‌اند.

میانگین (۶,۵۱) به عنوان مهمترین شاخص مرکزی نشان از آن دارد که رضایت جنسی پاسخگویان در حد نسبتاً بالایی است. میانه نیز که مقسم فراوانی‌ها به دو دسته مساوی است، بیانگر این نکته است که رضایت جنسی ۵۰ درصد پاسخگویان در حد ۶,۵۱ و کمتر از آن است و برای مابقی آنان بیشتر از ۶,۸۸ است. انحراف معیار (۲,۰۶۷) نیز که تنها شاخص پراکندگی مورد بررسی است نشان از آن دارد که پراکندگی داده‌ها به حول محور میانگین بالاست و به عبارتی دیگر تجانس داده‌ها پایین است.

متغیر دیگری که در این پژوهش به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده، متغیر کیفیت عشق است. این متغیر متشکل از سه بعد صمیمیت، هوس و تعهد بوده که به واسطه چهل و پنج گویه یا سؤال مورد سنجش قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، هر بعد آن توسط ۱۵ سؤال سنجیده شده است. در نهایت اطلاعات حاصله از جدول نشانگر آن است که ۵۲,۹ درصد پاسخگویان مورد بررسی از کیفیت عشق خیلی زیادی برخوردارند. و نیز ۲۴,۵ درصد یعنی چیزی در حدود یک چهارم افراد نیز از کیفیت عشق بالایی بهره‌مندند در حالی که در مقابل تنها ۱۰ درصد افراد مورد بررسی از عدم و یا کمی کیفیت عشق رنج می‌برند. میانگین که در بازه صفر تا ده بازتعریف شده است؛ بیانگر این مهم است که میزان کیفیت عشق در حد نسبتاً بالایی قرار دارد. میانه نیز که فراوانی‌ها را به دو دسته مساوی تقسیم می‌کند، نشان می‌دهد که ۵۰ درصد پاسخگویان کیفیت عشقی برابر و کمتر از ۸,۲۵ دارند و مابقی آنان کیفیت عشقی بیش از ۸,۲۵ دارند.

طلاق عاطفی، به عنوان متغیر وابسته پژوهش حاضر، با ۲۴ گویه در سطح سنجش اسمی دو مقوله‌ای (بلی/خیری) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج جدول، در روابط ۵۰٫۳ درصد پاسخگویان با همسرانشان، هیچگونه طلاق عاطفی وجود ندارد. به عبارت دیگر، نیمی از پاسخگویان در زندگی زناشویی، احساس انزوا و بیگانگی، جای رابطه زناشویی آنها را نگرفته است. کمتر از یک پنجم افراد (۱۷٫۱۹) درصد آنان طلاق عاطفی را حس کرده و احساس بیگانگی را جایگزین رابطه عاطفی در زندگی زناشویی می‌دیدند.

شاخص مرکزی میانگین (۳٫۰۷) بیانگر این نکته است که میزان طلاق عاطفی در میان پاسخگویان مورد مطالعه در حد ضعیفی است. میانه نیز نشان از آن دارد که میزان طلاق عاطفی نیمی از پاسخگویان در حد ۱٫۶۷ و کمتر و برای ۵۰ درصد بقیه نیز در بیشتر از ۱٫۶۷ است.

جدول ۳- یافته‌های استنباطی رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته (آزمون فرضیه‌ها)

فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان معناداری	شدت رابطه
فرضیه اول: میان رضایت جنسی و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.	رضایت جنسی	طلاق عاطفی	۰٫۰۰۰	-۰٫۷۲۳
فرضیه دوم: میان کیفیت عشق و طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.	کیفیت عشق	طلاق عاطفی	۰٫۰۰۰	-۰٫۷۲۲
فرضیه سوم: میان طلاق عاطفی با سن پاسخگویان رابطه معناداری وجود دارد.	سن	طلاق عاطفی	۰٫۶۶۷	-۰٫۰۳۵
فرضیه چهارم: میانگین طلاق عاطفی میان پاسخگویان زن و مرد متفاوت است.	جنسیت	طلاق عاطفی	۰٫۰۰۰	زن=۲٫۳۹ مرد=۳٫۸۹
فرضیه پنجم: میانگین طلاق عاطفی بر حسب تحصیلات متفاوت است.	تحصیلات	طلاق عاطفی	۰٫۲۴۵	۱٫۳۷۵
فرضیه ششم: میانگین طلاق عاطفی بر حسب تعداد فرزندان پاسخگویان متفاوت است.	تعداد فرزندان	طلاق عاطفی	۰٫۶۹۷	۰٫۵۵۳

پژوهش در مجموع شامل شش فرضیه بوده است که در جدول ۳ نتایج حاصل از آن آمده است.

در فرضیه اول، رابطه رضایت جنسی با طلاق عاطفی مورد بررسی قرار گرفته است. این رابطه با کمک ضریب همبستگی پیرسون بررسی می‌شود. در فرضیه اول، رضایت جنسی رابطه معنی‌داری با طلاق عاطفی دارد. مقدار ضریب همبستگی رضایت جنسی با طلاق عاطفی که برابر با $-۰/۷۲۳$ برآورد گردیده است نشان از وجود رابطه‌ای قوی و از نوع معکوس دارد که چون این رابطه معکوس است، می‌توان نتیجه گرفت که با افزایش رضایت جنسی، میزان طلاق عاطفی رو به کاستی گذاشته و با کاهش رضایت جنسی، افزایش می‌یابد.

در فرضیه دوم، با توجه به نتیجه حاصله از جدول ماتریس ضریب همبستگی پیرسون، رابطه‌ی میان کیفیت عشق و طلاق عاطفی از نوع معکوس و قوی است. رابطه مذکور نشان‌دهنده این نکته است که افزایش و کاهش کیفیت عشق می‌تواند در میزان طلاق عاطفی اثر داشته باشد؛ به این صورت که با افزایش کیفیت عشق؛ طلاق عاطفی کاهش یافته و با کاهش کیفیت عشق، میزان طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. در جدول زیر رابطه میان دو متغیر فوق‌الذکر گزارش می‌گردد.

در فرضیه سوم، سن به عنوان متغیر زمینه‌ای با طلاق عاطفی با کمک ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج حاصله از ماتریس ضریب همبستگی پیرسون که در جدول زیر نشان داده شده، متغیر سن با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای کمتر از ۵ درصد، با متغیر طلاق عاطفی ارتباط معناداری را برقرار نکردند.

در فرضیه چهارم، بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون تی مستقل می‌توان گفت که میانگین طلاق عاطفی پاسخگویان بر حسب جنسیت آنان متفاوت بوده است. بر حسب این آزمون، میانگین طلاق عاطفی در زنان برابر با ۲,۳۹ و در میان مردان برابر با ۳,۸۹ است.

در فرضیه پنجم، به بررسی تفاوت میزان طلاق عاطفی افراد بر اساس تحصیلات آنها مورد بررسی قرار گرفته شده است. نتایج حاصل از جدول نشانگر آن است که میانگین طلاق عاطفی بر حسب تحصیلات، از تفاوت معناداری برخوردار نیست و بنابراین فرضیه ما بر اساس نتیجه حاصل از آزمون تحلیل واریانس رد می‌گردد.

در فرضیه ششم، بررسی تفاوت در میزان طلاق عاطفی بر حسب تعداد فرزندان مورد بررسی قرار گرفته که نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشانگر آن است که در میزان طلاق عاطفی بر حسب تعداد فرزندان تفاوت معناداری وجود ندارد. در تحلیل رگرسیونی پژوهش حاضر، متغیرهایی نظیر رضایت جنسی، کیفیت عشق، سن، جنسیت، تعداد فرزندان و تحصیلات به عنوان متغیرهای مستقل و متغیر طلاق عاطفی نیز به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده که در نهایت با استفاده از انجام تحلیل رگرسیونی چند متغیره با استفاده از روش گام به گام، مدل رگرسیونی زیر بدست آمد:

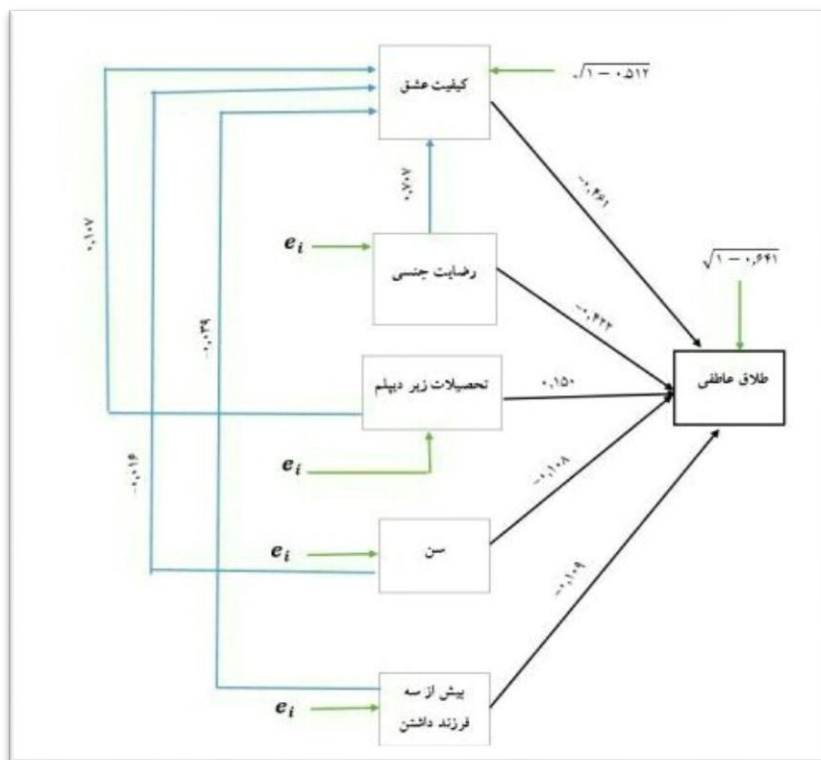
$$Z_{\text{طلاق عاطفی}} = -0.422 Z_{\text{رضایت جنسی}} - 0.461 Z_{\text{کیفیت عشق}} - 0.108 Z_{\text{سن}} \\ + 0.150 Z_{\text{تحصیلات زیر دیپلم}} - 0.109 Z_{\text{بیش از سه فرزند داشتن}}$$

برای اجرای تحلیل مسیر، تمامی متغیرهای مستقلی که در مدل رگرسیونی با ابعاد مختلف انسجام رابطه داشتند با روش همزمان^۱ وارد تحلیل شدند تا متغیرهای مستقلی که در مدل تأثیر بیشتری دارند، تعیین گردند. سپس در مرحله بعد متغیر مستقلی را که بیشترین بتا یا میزان تأثیر استاندارد شده را دارد به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته و تأثیر بقیه متغیرهای مستقل موجود در مدل بر روی آن سنجیده شده و این کار تا انتها ادامه یافت تا اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرها مشخص شده و نیز متغیری که بیشترین تأثیر گذاری را دارد شناسایی شود. در جدول ۴ نمودار و ضریب مسیر هر یک از ابعاد انسجام خانوادگی گزارش شده است. همانطور که دیده می‌شود قدرت کلی مدل برابر با ۰,۶۴۱ و نیز خطای کلی مدل برابر با ۰,۳۵۹ و میزان تأثیر مستقیم متغیر رضایت جنسی بر طلاق عاطفی برابر با ۰,۴۲۲، تأثیر مستقیم متغیر کیفیت عشق برابر با ۰,۴۶۱، تأثیر مستقیم متغیر تحصیلات زیر دیپلم برابر با ۰,۱۵۰، تأثیر مستقیم متغیر سن برابر با ۰,۱۰۸، تأثیر مستقیم متغیر داشتن بیش از سه فرزند برابر با ۰,۱۰۹، است. از میان تاثیرات مستقیم نامبرده، در مرتبه اول متغیر کیفیت عشق و در مرتبه دوم متغیر رضایت جنسی بیشترین تأثیر را بر متغیر طلاق عاطفی داشته‌اند. و در ادامه باید اضافه نمود که به جز متغیر تحصیلات زیر دیپلم؛ بقیه متغیرها تأثیری منفی بر طلاق عاطفی داشته‌اند (جدول ۵).

^۱ Enter

جدول ۴- نمودار و ضریب مسیر هر یک از ابعاد انسجام خانوادگی

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
رضایت جنسی	-۰,۴۲۲	-۰,۳۲۵	-۰,۷۴۷
کیفیت عشق	-۰,۴۶۱	—	-۰,۴۶۱
تحصیلات زیر دیپلم	۰,۱۵۰	-۰,۰۴۹	۰,۱۰۱
سن	-۰,۱۰۸	۰,۰۰۷	-۰,۱۰۱
بیش از سه فرزند داشتن	-۰,۱۰۹	۰,۰۱۷	-۰,۰۹۲
جمع اثرات	-۰,۹۵	-۰,۳۵	-۱,۳



جدول ۵- تحلیل عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی، اثرات غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای مدل

بحث و نتیجه گیری

زندگی زناشویی نیاز مبرم به خرسندی و شادمانی دارد. این احساسات برای ادامه زندگی مشترک و رابطه زناشویی لازم و ضروری است. در صورتی که این رابطه از سطح مطلوب برخوردار باشد زندگی زناشویی می‌تواند لذت بخش و توام با آرامش و اطمینان باشد، در حالی که پایین بودن کیفیت این روابط، می‌تواند زمینه طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی را فراهم آورد. با توجه به حساسیت و جایگاه ویژه خانواده، بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی طلاق عاطفی ضروریست. جهت بررسی و درک بهتر پدیده طلاق عاطفی، توجه به فرهنگ حاکم بر جامعه و خانواده از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، در جوامع پیشرفته طلاق عاطفی کمتر وجود دارد به دلیل اینکه زن و شوهر در صورت عدم توافق، طلاق رسمی می‌گیرند و دلیلی برای تداوم زندگی سرد و خاموش ندارند، به همین دلیل پژوهشهای انجام شده در خارج از کشور موضوعات مورد دغدغه‌ی آنان مانند بررسی آسیب‌های وارده به زنان بیوه یا بچه‌های طلاق، نسبت رفتارهای مثبت به رفتارهای منفی و درک

متقابل، عشق و محبت، رابطه جنسی و رضایت زناشویی را در بر می‌گیرد. پژوهش‌های داخل و خارج کشور نه تنها در اصل موضوع بلکه در نوع متغیرهای تأثیر گذار بر روابط زناشویی هم متفاوت می‌باشند.

این پژوهش با هدف بررسی تأثیر رضایت جنسی و کیفیت عشق بر پیش بینی طلاق عاطفی انجام شد. جامعه آماری شامل ۱۵۵ نفر از کارمندان متأهل شهرداری منطقه ۸ شهر تهران بود که پس از اجرای پیمایش، داده‌های به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در پاسخ به فرضیه اول پژوهش، براساس اطلاعات جدول شماره ۴-۳-۲ رابطه میان رضایت جنسی و طلاق عاطفی با کمک ضریب همبستگی پیرسون بررسی شد. این مطالعه وجود رابطه‌ای قوی و از نوع معکوس را بین این دو متغیر تأیید کرد، به بیان دیگر با افزایش رضایت جنسی، میزان طلاق عاطفی رو به کاستی گذاشته و با کاهش رضایت جنسی، افزایش می‌یابد. امیال و نیازهای جنسی در زندگی زناشویی نقش اساسی دارند و کمتر رابطه زناشویی را می‌توان یافت که بدون داشتن روابط جنسی قابل دوام باشد.

لذت جنسی موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روزمره زندگی و اختلافات زناشویی نادیده گرفته شود و وابستگی عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد (عسگری، ۱۳۸۰). رابطه جنسی هم به لحاظ عاطفی و به لحاظ جسمی عاملی قوی و تعیین کننده در زندگی زناشویی می‌باشد (لومان^۱، کائون^۲، میشل^۳ و میشلز^۴، ۲۰۰۸). تحقیقات متعددی که در مورد عوامل مرتبط با ازدواج انجام گرفته است، نشان می‌دهد که مسائل جنسی از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل درجه اول زوجین قرار دارد (دانکامب^۵، ۱۹۸۳؛ کراوفورد و پاپ^۶، ۲۰۰۳؛ برادبری و کارنی^۷، ۲۰۰۴؛ دیویس و شاور، ۲۰۰۶؛ به نقل از شفیع آبادی و همکاران، ۱۳۸۹).

یافته پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های نانس (۲۰۰۷)، پریش (۲۰۰۷)، فردریک (۲۰۰۶)، کریستنسن (۲۰۰۴)، هاید ولاماتر (۲۰۰۰)، کریستوفرو اسپرچر (۲۰۰۰)، گبیرت (۱۹۶۴)، همخوان است. به نقل از هالفورد، روابط جنسی ناخوشایند، منشأ تعارضات در زوجینی است که از زندگی زناشویی خود ناراضی هستند. رضایت اولیه از روابط جنسی بین زوجین پیش بینی کننده نیرومندی برای کیفیت رابطه بین زوجین است. با توجه به نظر مسترز و جانسون (۱۳۸۶) مشکلات جنسی اغلب ناشی از ارتباطات ضعیف زوجین می‌باشد، که این موضوع لزوم درمان چنین مشکلاتی را در بهبود روابط عاطفی بین زوجین مطرح می‌کند. پس جهت برخورداری از خانواده‌هایی سالم و توام با آرامش، رضایت جنسی از عوامل مهم و تاثیر گذار می‌باشد (اوحدی ۱۳۸۴). به نقل از رحمانی (۲۰۱۰)، رضایت جنسی تنها لذت جسمانی نیست، بلکه شامل کلیه احساسات به جا مانده پس از جنبه‌های مثبت و منفی ارتباط جنسی می‌شود و در برگیرنده‌ی رضایت فرد از فعالیت‌های خود تا رسیدن به اوج لذت جنسی است. در واقع روابط جنسی رضایت بخش، عاملی برای تحکیم خانواده می‌باشد. پژوهش‌های

¹ Laumann

² Gagnon

³ Michael

⁴ Michaels

⁵ Duncumb

⁶ Craawford&Pop

⁷ Carney

کفاشی و سرآبادانی (۱۳۹۳)، موحدو عزیزی (۱۳۹۰)، صفایی راد و وارسته (۱۳۹۰)، آزادی، سهامی، قهرمانی وقلی پور (۱۳۸۹)، باستانی و همکاران (۱۳۸۹)، علی، اکبری دهکردی، حیدری نسب، کیقبادی (۱۳۸۹)، بحرینیان ویاوری (۱۳۸۸)، بخشایش و مرتضوی (۱۳۸۸)، شاه سیاه (۱۳۸۷)، نصیری و همکاران (۱۳۸۶)، امیریان و همکاران (۱۳۸۵) با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ است، اما با یافته پروین، داوودی و محمدی (۱۳۹۱)، مغایر می‌باشد. آن‌ها در مطالعه خود تحت عنوان عوامل جامعه‌شناسی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی، نشان دادند که میزان رضایت جنسی زوجین از همدیگر، از عوامل تاثیرگذار در کاهش میزان طلاق عاطفی در خانواده‌های تهرانی نمی‌باشد و با برخورداری از این عنصر میزان طلاق عاطفی کاهش نمی‌یابد. ونتگودت^۱ (۱۹۹۸) به نقل از موحدو عزیزی (۱۳۹۰)، بر این باور است که لذت جنسی موجب می‌شود اختلافات زناشویی بین همسران نادیده گرفته شود و وابستگی عاطفی بین زن و شوهر افزایش یابد. افرادی که در رابطه خود با همسرشان رضایت جنسی بالایی دارند کیفیت زندگی بهتری دارند.

با توجه به این موضوع به نظر می‌رسد در موضوع طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی نگاه ویژه به عدم وجود رضایت جنسی در زوجین و اقدام به شناسایی مشکل و رفع آن، تا حد زیادی می‌تواند مشکلات و تنش درون خانواده را کاهش داده و فضای بهتری جهت ترمیم روابط زناشویی ایجاد کند، ضمن اینکه باعث پایبندی به پیمان ازدواج شده و از بسیاری انحرافات اخلاقی و جنسی جلوگیری می‌نماید. بنابراین این موضوع از منظر روانشناسی و جامعه‌شناسی شایسته توجه است. در فرضیه دوم رابطه دو مفهوم کیفیت عشق به عنوان متغیر مستقل و طلاق عاطفی که متغیر وابسته پژوهش حاضر است، بررسی گردید. با توجه به نتیجه حاصله از جدول ماتریس ضریب همبستگی پیرسون، رابطه‌ی میان کیفیت عشق و طلاق عاطفی از نوع معکوس و قوی است. به این معنا که افزایش و کاهش کیفیت عشق می‌تواند در میزان طلاق عاطفی اثر داشته باشد، این مطالعه نشان داد با افزایش کیفیت عشق، طلاق عاطفی کاهش یافته و با کاهش کیفیت عشق، میزان طلاق عاطفی افزایش می‌یابد.

با توجه به نظریه مثالی عشق استرنبرگ که در چهار چوب نظری این پژوهش استفاده شده است و از آن جایی که طلاق عاطفی رابطه‌ای فاقد صمیمیت است، استرنبرگ عشق ابلهانه و تهی را طلاق عاطفی خواند. زیرا این دو نوع رابطه از بین روابطی که او نام برد، فاقد صمیمیت هستند (استرنبرگ، ۱۹۸۸).

صمیمیت شامل احساس نزدیکی، عاطفه، ارتباط، پیوستگی عمیق، خود افشاگری و وابستگی فردی در روابط عاشقانه است، این بعد، جنبه‌ی هیجانی و عاطفی دارد و نوعی احساس گرمی، محبت و نزدیکی در طرف مقابل ایجاد می‌کند (نلسون، ۲۰۰۵، به نقل از قمرانی و طباطبایی، ۱۳۸۵).

در مطالعات انجام شده داخل و خارج کشور، پژوهشی که تاثیر کیفیت عشق بر طلاق عاطفی را بررسی نماید، یافت نشد، لذا نتایج این پژوهش با مطالعاتی که متغیرهای مشابهی دارند و به طریقی با کیفیت روابط زناشویی و نیز متغیرهای این پژوهش مرتبط است مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های این تحقیق با نتایج پژوهش واعظی و همکاران (۱۳۸۷)، که نشان داد بین عشق ورزی و رضایتمندی زناشویی رابطه معناداری وجود دارد، همخوان است. و با نتایج مطالعه یوسفی و همکاران (۱۳۹۰)

^۱ Ventegodet

در خصوص رابطه مثبت، سبک‌های عشق ورزی دوستانه و رومان‌تیک و واقع‌گرایانه با رضایت زناشویی، انسجام زناشویی و توافق زناشویی، همخوان است. همچنین با نتایج به دست آمده از پژوهش آراین فرو پور شهریاری (۱۳۹۶)، افراسیابی و همکاران (۱۳۹۵)، حفاظی طرهبه، ولی بیگی و پیوسته (۱۳۸۷)، حفاظی طرهبه و همکاران (۱۳۸۵)، آوریکی و همکاران (۲۰۰۳)، احمیت اگلو و همکاران (۲۰۰۳)، کامکار و جباریان (۱۳۸۵)، سپاه منصور و مظاهری (۱۳۸۵)، رحیمی و بنگانی (۱۳۸۷)، کرافورد و همکاران (۲۰۰۳)، تانگ (۲۰۰۷)، عبدی و گلزاری (۱۳۸۹) است. برقراری ارتباط صمیمی، انتقال احساسات و افکار و بیان نیازها، راه حل مشکلات در روابط زناشویی است. زن و شوهر زمانی به رضایت‌مندی می‌رسند که با یکدیگر صمیمی بوده و در حل مشکلات همکاری نمایند (ایسر، بیودا و اولادون^۱، ۲۰۱۴). عشق احساسی هیجانی است که با تحریک شهوانی همراه می‌شود، اما برخورداری از عشقی اصیل در رابطه، مستلزم وجود صمیمیت، تعهد و به کارگیری خرد نیز می‌باشد که به دنبال ارضای میل نیز می‌تواند ایجاد گردد. فردی که میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کند قادر است خود را به شیوه‌ای مطلوب‌تر در روابط عرضه کند و نیازهای خود را به شکل موثرتری به شریک و همسر خود ابراز کند. زوج‌هایی که صمیمیت بالاتری دارند ممکن است قابلیت بیشتری در مواجهه با مشکلات و تغییرات مربوط به رابطه خود داشته باشند و در نتیجه رضایت زناشویی بالاتر و نیز تعارضات زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷). صمیمیت، اهمیت اساسی در ماندگاری روابط زوجین دارد و میزان آن تأثیر عمیقی در دستیابی به شادکامی زناشویی دارد. تعداد زیادی از افراد که به مشاوره و روان‌درمانی مراجعه می‌کنند، برای به دست آوردن سطح رضایت بخشی از صمیمیت شکست خورده‌اند (سعادتیان، سامانی، پارسایی و ویکرام، ۲۰۱۴).

تعهد در رابطه، موجب شکل‌گیری اعتماد و اطمینان می‌شود. احساس تعهد نسبت به همسر، موجب توجه به خواسته‌های وی، صرف وقت و توجه می‌گردد. در خانواده‌های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می‌کنند بلکه در رشد و تعالی هریک از اعضای آن می‌کوشند (هریس، ۲۰۰۶). تعهد به زوجین اجازه می‌دهد تا به صورت موثری در برابر خواسته‌های یکدیگر انعطاف داشته باشند (پاترسون، ۲۰۰۲). به عقیده فیشر (۲۰۰۵)، آگاهی از رابطه‌ی عشقی و محبت آمیز، به عنوان نقطه‌ی شروع حل بحران جدایی بین همسران عمل می‌کند.

در فرضیه سوم رابطه میان طلاق عاطفی با سن پاسخگویان براساس ضریب همبستگی پیرسون، بررسی شد. فرضیه مبنی بر اینکه سن پاسخگویان با میزان طلاق عاطفی ارتباط دارد، رد شد. و متغیر سن، با متغیر طلاق عاطفی ارتباط معناداری برقرار نکرد. احتمالاً در هر سن و با هر شرایطی می‌توان انتظار به وجود آمدن طلاق عاطفی را داشت. از طرفی شاید بتوان گفت زوج‌هایی که در سنین کم زندگی مشترک را آغاز می‌کنند، بعد از ازدواج نیز مانند دوران مجردی رفتار می‌کنند، لذا نمی‌توانند احساس مسئولیت و تعهد لازم را به زندگی مشترک قبول کنند. در چنین شرایطی احتمال دخالت خانواده‌ها به دلیل عدم وجود بلوغ فکری و عاطفی، بالا بوده و موجبات بوجود آمدن شرایط طلاق عاطفی را فراهم می‌کند. نتیجه به

¹ Esere, M.O., Yeyeodu, A., Oladun, C

دست آمده با یافته‌های جدیری و همکاران (۱۳۸۸)، ایمان و همکاران (۱۳۹۱)، متفاوت، ولی با یافته‌های منصوری نیا و همکاران (۱۳۹۰)، همسو است.

در فرضیه چهارم میانگین طلاق عاطفی، در میان پاسخگویان زن و مرد بررسی گردید، که نتایج حاصله، تفاوت میانگین طلاق عاطفی در مردان را بالاتر از زنان نشان داد. مطالعه فتحی و آزادیان (۱۳۹۶)، با نتایج پژوهش حاضر همسو نیست. آن‌ها نشان دادند بین رضایت زناشویی و جنسیت تفاوت معنا داری وجود ندارد. شاید تغییرات صورت گرفته در جامعه و ساختار خانواده، از جمله اشتغال هر دو گروه، مدرنیته شدن، تغییر توزیع قدرت باعث شده نقش جنسیت در رضایت زناشویی کمرنگ شود. البته ممکن است وابستگی زن به همسرش به دلایل اقتصادی و فرهنگی و وابستگی مادر به فرزند خانواده، به کاهش طلاق عاطفی از جانب زنان منجر شده و نتیجه‌ی حاصل از پژوهش حاضر را تأیید نماید.

در فرضیه پنجم میانگین طلاق عاطفی بر حسب تحصیلات مورد بررسی قرار گرفت و نتایج حاصل نشان داد که طلاق عاطفی بر حسب تحصیلات تفاوتی ندارد و این فرضیه تأیید نگردید. نتایج پژوهش عظیمی رستا و عابدزاده (۱۳۹۲)، کفاشی و سرآبادانی (۱۳۹۳)، فتحی و آبادانی (۱۳۹۶)، همسو با این پژوهش نمی‌باشد. شاید تعاملات و اجتماعی شدن در جامعه، عاملی برای کاهش طلاق عاطفی باشد. این اجتماعی شدن می‌تواند در محل کار و یا محل تحصیل ایجاد شود، به همین دلیل افراد قادر به برنامه ریزی و ارزیابی بیشتری، در زندگی مشترک زناشویی خواهند شد. البته نقش تحصیلات در کاهش اختلافات و تعارضات زناشویی قابل کتمان نیست، شاید بتوان گفت که طلاق و آموزش، رابطه‌ای تنگاتنگ دارند، چنانچه محتوای آموزش ارتقاء یابد، اثر نسبی آن بر طلاق عاطفی مشهودتر خواهد بود. منظور، انتقال آموزشی است که از خلال آن انسانهایی دقیق‌تر و حساس‌تر پدید آیند.

در فرضیه آخر نیز، میانگین طلاق عاطفی بر حسب تعداد فرزندان مورد بررسی قرار گرفت که نتایج، این فرضیه را نیز تأیید نمود. ممکن است بتوان این موضوع را این گونه مطرح نمود که حضور فرزند در خانواده باعث ایجاد سرگرمی زوجین می‌شود و احتمال طلاق عاطفی در همسران کاهش می‌یابد، اما با بزرگتر شدن بچه‌ها باز هم احتمال آن پررنگ می‌گردد.

منابع

- استرنبرگ، ر.ج. (۱۳۸۲). قصه عشق، نگاهی تازه به روابط مرد و زن، ترجمه علی اصغر بهرامی، ۱۲۸۲، چاپ اول، تهران: جوانه رشد.
- افراسیابی، ح؛ دهقانی دارا امرو، ر. (۱۳۹۵). مجله زن در توسعه و سیاست، دوره چهاردهم، شماره ۲، ص ۲۷۱-۲۵۵.
- امیریان زاده، م. (۱۳۸۵). بررسی برخی متغیرهای مرتبط با لذت جنسی در زنان شهر شیراز. دومین کنگره سراسری آسیب شناسی خانواده در ایران. پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- ایمانی، م. (۱۳۹۳). علل ظهور و بروز طلاق عاطفی، پی آمدها و شیوه‌های برخورد با آن، پیوند، شماره تابستان، شماره ۳۹۳ و ۳۹۴، صص ۲۴-۲۲.
- آرین فر، ن؛ پورشهریاری، س. (۱۳۹۶). مدل معادلات ساختاری پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه حوزه بریدگی و طرد و متغیر میانجی سبک‌های عشق ورزی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال هشتم، شماره ۲۹.
- آزادی فرد، ص. (۱۳۸۶). رابطه دانش و نگرش جنسی، باورهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض با طلاق عاطفی در پرستاران شهر خرم آباد. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه رازی.

- آزادی، ش؛ سهامی، س؛ قهرمانی، ز؛ قلی پور، گ. (۱۳۸۹). ارزیابی عوامل اجتماعی زمینه ساز طلاق عاطفی در میان کارکنان شرکت بهره برداری نفت گچساران، مجله زن و بهداشت، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۰۱
- باستانی، س. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی‌های مقابله با آن، فصلنامه خانواده پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۲۴۳-۲۴۱.
- باستانی، س. (۱۳۸۹). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، سال اول، شماره سوم.
- بحرینیان، ع؛ یآوری کرمانی، م. (۱۳۸۸). رضایتمندی جنسی و رضایتمندی زندگی. فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی، ۵۲، صص ۶۷.
- بخارایی، ا. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی زندگی‌های خاموش در ایران (طلاق عاطفی)، تهران: پژوهش‌های پژواک جام.
- بخشایش، ع؛ مرتضوی، م. (۱۳۸۸). رابطه رضایت جنسی، سلامت عمومی و رضایت زناشویی در زوجین. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۸۸، صص ۷۳-۸۵.
- برین، ز. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی و عادات واره‌ها بر طلاق عاطفی در زنان، دانشگاه الزهرا.
- بک، آ. (۱۳۸۴). عشق هرگز کافی نیست، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: آسیم.
- به پژوه، ا. (۱۳۸۰). عوامل مؤثر در ازدواج موفق، سیمرخ، دوره پنجم، شماره ۲۶۱، صص ۷۳.
- پروین، س؛ داوودی، م؛ محمدی، ف. (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناسی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی، مجله مطالعات راهبردی زنان، سال پانزدهم، شماره ۵۶.
- حفاظی طریقه، م؛ فیروز آبادی، ع؛ حق شناس، ح. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ۱۶ (۵۴)، صص ۹۹-۱۰۹.
- حیدری، م؛ مظاهری، م. ع؛ پور اعتماد، ح. (۱۳۸۴). باورهای ارتباطی با احساسات مثبت نسبت به همسر، فصلنامه خانواده پژوهی، ۲، ۱، صص ۶۸-۳۴.
- رحمانی، ا؛ صادقی، ن؛ الله قلی، ل؛ مرقاتی خوبی، ع. (۱۳۸۹). ارتباط رضایت جنسی با عوامل فردی در زوجین. نشریه دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایران (نشریه پرستاری ایران)، دوره ۲۳، شماره ۶۶، آبان ۱۳۸۹، صص ۲۲-۱۴.
- رفیعی نیا، پ؛ اصغری، آ. (۱۳۸۶). رابطه انواع عشق و بهزیستی، فصلنامه خانواده پژوهی، سال سوم، شماره ۹، صص ۴۹۱.
- سپاه منصور، م؛ مظاهری، م. (۱۳۸۵). مقایسه مؤلفه‌های سبک‌های عشق بین افراد متأهل دارای رضایت وعدم رضایت زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، صص ۲۱۷.
- شاملو، س. (۱۳۸۰). بهداشت روانی، تهران: رشد.
- شاه سیاه، م. (۱۳۸۷). بررسی اثر بخشی آموزش جنسی بر بهبود کیفیت زناشویی زوجین در شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
- شاه سیاه، م؛ بهرامی، ف؛ محبی، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه‌ی رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، سال یازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۸، صص ۲۳۸-۲۳۳.
- شفیع آبادی، ع؛ نوایی نژاد، ش؛ تبریزی، م؛ هنرپروران، ن. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان مدار بر رضایت جنسی زوجین. فصلنامه اندیشه و رفتار، سال چهارم، شماره ۱۵، بهار ۱۳۸۹، صص ۷۰-۵۹.
- صفایی راد، س؛ وارسته فر، ا. (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض‌های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به دادگاه‌های شرق تهران سال ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۸۹-۹۰.
- صمدی فرد، ح؛ نریمانی، م؛ شیخ الاسلامی، میکاییلی، ن. (۱۳۹۵). نقش مؤلفه‌های اجتناب شناختی و باور فرا شناختی در پیش بینی طلاق عاطفی همسران، مجله پژوهش‌های مشاوره، جلد ۱۵، شماره ۵۹.
- عبدی، ح؛ گلزاری، م. (۱۳۸۹). ارتباط میان سبک‌های عشق ورزی و ویژگی‌های شخصیتی، فصلنامه روانشناسی ایران، صص ۷۴-۵۳.

- عسگری، پ؛ پاشا، غ؛ آذرکیش، م. (۱۳۹۰). مقایسه تعهد زناشویی، رضایت جنسی و رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه دار، مجله اندیشه و رفتار، دوره ۶، ش ۲۱.
- فتحی، س؛ آزادان، ع. (۱۳۹۶). تأثیر عوامل دموگرافیک در رضایتمندی زندگی زناشویی زوجین ۳۵-۵۵ سال، فصلنامه اجتماعی زنان خانواده، دوره نوزدهم، شماره ۷۵
- فرهنگی، ع. ا. (۱۳۸۵). ارتباطات انسانی؛ جلد اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دهم، ص ۱۷۰-۱۶۸.
- قمرانی، س؛ طباطبایی، ج. (۱۳۸۵). بررسی روابط عاشقانه زوجین ایرانی و رابطه آن با رضایت زناشویی و متغیرهای دموگرافیک، مجله تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۵، شماره ۱۷، ص ۱۰۹.
- کامکار، م؛ جباریان، ش. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر صمیمیت در اختلافات زناشویی، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ص ۳۱۱
- کفاشی، م؛ سرآبادانی، س. (۱۳۹۳). عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر طلاق عاطفی دو گروه زنان متأهل خانه دار و شاغل شهر قم، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال سوم، شماره ۵، ص ۱۵۳-۱۲۵.
- کوان، ک؛ کیندر، م. (۱۳۸۱). زن، مرد، زندگی. (ترجمه احمد ناهیدی). تهران: زریاب.
- گاتمن، ج. (۲۰۰۸). موفقیت یا شکست در ازدواج. (ترجمه ا. جزایری، ۱۳۸۸). تهران: خجسته.
- محمدی، ز. (۱۳۸۳). بررسی آسیب‌های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ص ۱۱۲
- موحد، م؛ عزیزی، ط. (۱۳۹۰). مطالعه رابطه رضایت مندی جنسی زنان و تعارضات میان همسران، مجله زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۱۷-۱۹۱
- نصیری، ف؛ حاجی احمدی، م؛ باکویی، ف. (۱۳۸۶). بررسی عملکرد جنسی و عامل‌های وابسته به آن در زنان شیرده و باردار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بابل.
- واعظی، م؛ خانبانی، م؛ توکلی، م؛ خامی، م. (۱۳۸۷). تأثیر عشق ورزی در رضایتمندی زندگی زناشویی، فصلنامه خانواده و پژوهش، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۵۰-۱۳۳
- هالفورد، د. (۱۳۸۴). زوج درمانی کوتاه مدت، ترجمه مصطفی تبریزی، مؤده کاردانی و فروغ جعفری، تهران: فراوان.
- یوسفی، ن؛ بشیلده، ک؛ عیسی نژاد، ا؛ اعتمادی، ع؛ شیرینگی، ن. (۱۳۹۰). رابطه‌ی سبک‌های عشق ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل، دو فصلنامه مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره اول، سال اول، شماره ۱، صص ۳۶-۲۱
- Ahmetoglu, G; Swarni, V, & Chamorro -Premuzic, T. (2009). The Rilationship Between Dimensions of love, personality, and Rilationship Length. *Journal of Archives of Sexual Behavior*, Springer. 33(1), 230-213
- Esere, M.O., Yeyeodu, A., Oladun, C. (2014). Obstacles and suggested Solutions to Effective Communication in Marriage as Expressed by Married Adults in Kogi State, Nigeria, *Journal of Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 114, 134-132
- Laumann, E. O., Gagnon, G. H., Michael, R. T., & Michaels, S. (2008). *The social organization of sexuality: Sexual practices in the United States*. Chicago: University of Chicago Press.
- Manap, J., Che Kassim, A., Hoesni, S., Nen, S., Idris, F., & Ghazali, F. (2013). The Purpose of Marriage Among Single Malaysian Youth, *journal Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 82: 112
- Saadatian, E., Samani, H., Parsani, R., Vikram, P., Anshul, L. J., Tejada, L., David, C. A., & Nakatsu, R. (2014). Mediating intimacy in long-distance relationships using kiss messaging, *Journal Human Computer Studies*, 72 (10-11): 736-746.